بسمه تعالی

موضوع: مبطلیت تکلّم/ فصل في مبطلات الصلاة

فهرست مطالب

[جلسه 82 – 30 دی یکشنبه 1](#_Toc189646828)

[ادامه مساله 31 1](#_Toc189646829)

[بررسی حرمت سلام در فرض ریبه و خوف فتنه 1](#_Toc189646830)

[بررسی کراهت سلام اجنبی به اجنبی 2](#_Toc189646831)

[بررسی حکم سلام اجنبیه به اجنبی 6](#_Toc189646832)

[مساله 32 6](#_Toc189646833)

[بررسی حکم سلام به کافر 7](#_Toc189646834)

بسم الله الرحمن الرحیم

يجوز سلام الأجنبي على الأجنبية و بالعكس على الأقوى إذا لم يكن هناك ريبة أو خوف فتنة، حيث إنّ‌ صوت المرأة من حيث هو ليس عورة.

# ادامه مساله 31

## بررسی حرمت سلام در فرض ریبه و خوف فتنه

بیان شد که مراد از ریبه، خوف وقوع در حرام است و دلیل واضحی وجود ندارد که هر کاری که انجام آن خوف وقوع در حرام در پی دارد، حرام است. آقای خویی هم در مورد خوف انجرار به زنا و مانند آن، قائل به حرمت شدند به دلیل امر به حفظ فرج از زنا که به نظر آقای زنجانی و ما از این خطاب، بیش از حرمت زنا فهمیده نمی شود. آیه ﴿وَ لا تَقْرَبُوا الْفَواحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ﴾ [[1]](#footnote-2) نیز ظهور در حرمت ارتکاب دارد و آیه ﴿وَ لا تَقْرَبُوا مالَ الْيَتيمِ﴾[[2]](#footnote-3) به این معنا است که در مال یتیم تصرف نکنید، همانطور که در فارسی هم گفته می شود که از این کار دوری کنید یا در مورد اکل و شرب و جماع در ماه رمضان در آیه شریفه می فرماید ﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلا تَقْرَبُوها﴾[[3]](#footnote-4) یعنی مرتکب این امور نشوید و بیش از این فهمیده نمی شود. حفظ فرج از زنا هم به این معنا است که زنا نکنید مانند حفظ لسان از کذب.

البته بعید نیست که از مذاق شارع و ارتکاز متشرعه فهمیده شود که در امور مهمی مانند زنا، جایز نیست کاری که خوف عقلایی منجر به زنا دارد، انجام دهد مثل اینکه می داند که اگر به این خانم سلام بدهد شروع آشنایی بوده و می ترسد که احوال پرسی محبت آمیز کرده و منجز به زنا یا معاصی از قبیل زنا بشود. ولی دلیل لفظی واضحی بر این مطلب وجود ندارد.

برخی به آیه ﴿يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْليكُمْ نارا﴾[[4]](#footnote-5) تمسک کرده اند که «قوا» به معنای «احفظوا» است. حفظ از عذاب جهنم به این است که کاری هم که خوف آن داریم که ما را به جهنم بکشاند، مرتکب نشویم.

پاسخ اینکه در آخرین لحظه ای که عمدا می خواهد گناه کند، تمکن دارد که خودش را از عذاب جهنم حفظ کند و در آخرین لحظه مرتکب نشود و همان موقع امر به حفظ از عذاب جهنم را امتثال کند. مانند اینکه انسان به غذایی خیلی علاقه دارد و اگر از الان کاری نکند که علاقه به آن غذا از بین برود، علاوه بر سهم خودش، سهم خواهر و برادرش را نیز می خورد. در اینجا گفته نمی شود که از الان باید کاری کند که علاقه اش به آن غذا کم بشود بلکه در آخرین لحظه ای که می خواهد در غذای دیگران طمع کند، باید این کار را انجام ندهد. اما در فرضی که خوف دارد که بدون اختیار مرتکب حرام شود، اگر قائل به استصحاب استقبالی باشیم گفته می شود که مرتکب این کار نخواهید شد و اگر قائل نباشیم قاعده اشتغال جاری است. اما محل بحث آقایان، فرضی است که در آخرین لحظه با اختیار خود می خواهد آن کار را انجام دهد. بنابراین وقتی دلیل بر حرمت فعلی که «یخاف من ارتکابه ان یرتکب الحرام بعد ذلک» نداریم، اصل برائت از حرمت جاری می شود. البته ما فعلا نظر قطعی نداده بلکه در ادله آقایان مناقشه می کنیم. بله! در معاصی موبقه مانند زنا از مذاق شارع و مرتکز متشرعه حرمت کاری که موجب خوف وقوع در آن است را کشف می کنیم.

## بررسی کراهت سلام اجنبی به اجنبی

اصل سلام بر اجنبیه در فرضی که ریبه و خوف فتنه نباشد، مسلما جایز است. در کتاب النکاح عروه فرموده اند: «(مسألة 41): يكره للرجل ابتداء النساء بالسلام ودعاؤهنّ‌ إلىٰ‌ الطعام، وتتأكّد الكراهة في الشابّة»[[5]](#footnote-6). آقایان نیز نوعا در اینجا حاشیه نزده اند. آقای خویی در بحث استدلالی فرموده که کراهت سلام به شابة صحیح نیست و در مورد غیر شابة هم نه تنها مکروه نیست بلکه مستحب است[[6]](#footnote-7).

منشأ فتوای مشهور فقها به کراهت سلام اجنبی بر اجنبیه[[7]](#footnote-8)، روایاتی است. روایت اول صحیحه غیاث بن ابراهیم است: «وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: لَا تُسَلِّمْ عَلَى الْمَرْأَةِ»[[8]](#footnote-9). روایت دوم، روایت مسعدة بن صدقة است: «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع لَا تَبْدَءُوا النِّسَاءَ بِالسَّلَامِ وَ لَا تَدْعُوهُنَّ إِلَى الطَّعَامِ فَإِنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ النِّسَاءُ عِيٌّ وَ عَوْرَةٌ فَاسْتُرُوا عِيَّهُنَّ بِالسُّكُوتِ وَ اسْتُرُوا عَوْرَاتِهِنَّ بِالْبُيُوتِ»[[9]](#footnote-10). گفته شده که در مورد زنان محرم که سیره قطعیه است که سلام داده می شود پس این دو روایت حمل می شود بر اجنبیه مانند دختر عمو و دختر خاله و بقیه نامحرم ها. مقتضی این دو روایت حرمت سلام بر این زنان است ولی به دلیل صحیحه ربعی از این ظهور رفع ید می شود. در صحیحه ربعی نقل شده: «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رِبْعِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُسَلِّمُ عَلَى النِّسَاءِ وَ يَرْدُدْنَ عَلَيْه‏ السَّلَامَ وَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع يُسَلِّمُ عَلَى النِّسَاءِ وَ كَانَ يَكْرَهُ أَنْ يُسَلِّمَ عَلَى الشَّابَّةِ مِنْهُنَّ وَ يَقُولُ أَتَخَوَّفُ أَنْ يُعْجِبَنِي صَوْتُهَا فَيَدْخُلَ عَلَيَّ أَكْثَرُ مِمَّا أَطْلُبُ مِنَ الْأَجْرِ»[[10]](#footnote-11). این روایت قرینه می شود که سلام بر اجنبیه جایز است پس آن دو روایت حمل بر کراهت می شود.

اشکال می شود که صحیحه ربعی با کراهت سازگار نیست. ممکن است در پاسخ بیان شود که پیامبر صلی الله علیه و آله احکام مخصوص به خود را دارد. اما آقای خویی فرموده اگر فقط پیامبر صلی الله علیه و آله بیان شده بود، گفته می شد به این تناسب که ازواج پیامبر صلی الله علیه و آله امهات امت هستند[[11]](#footnote-12)، پیامبر صلی الله علیه و آله پدر امت است و مکروه نیست که به زنان سلام بدهد، اما در این روایت امام علی علیه السلام هم مطرح شده و ایشان حکمشان با بقیه تفاوتی ندارد و امیرالمومنین به زنان سلام می داده اما به زنان جوان سلام نمی داده است پس سلام به زنانی که جوان نیستند مستحب است[[12]](#footnote-13).

این استدلال که چون زنان پیامبر صلی الله علیه و آله ام الامة هستند پس پیامبر صلی الله علیه و آله نیز ابو الامة است، قوی نیست زیرا در ﴿أَزْواجُهُ أُمَّهاتُهُم﴾‏[[13]](#footnote-14) تنزیل به این دلیل است که مسلمانان با زنان پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج نکنند.

آقای خویی با ضرس قاطع می گوید صحیحه ربعی نمی تواند صرفا بیانگر نفی حرمت باشد و به این شکل با دو روایت دیگر جمع عرفی بشود، نمی توان گفت که امیر المومنین علیه السلام استمرار بر عمل مکروه داشتند. اشکال به ایشان این است که چرا صحیحه ربعی را مقدم بر دو روایت دیگر می کنید و دلیل بر استحباب سلام کردن به زنان غیر جوان می دانید؟ فوقش این است که بین صحیحه ربعی با دو روایت دیگر تعارض می شود.

آقای حکیم فرموده: علت تقدیم صحیحه ربعی این است که دو روایت دیگر موثقه است. مسعدة بن صدقه بنا بر این که ثقه باشد، امامی اثناعشری نبوده و زیدی بتری است. در مورد غیاث بن ابراهیم نیز شیخ فرموده که بتری است. لذا صحیحه ربعی مقدم بر این دو موثقه می شود[[14]](#footnote-15). بیان ایشان، در حقیقت ترجیح به صفات راوی است که «الْحُكْمُ مَا حَكَمَ بِهِ أَعْدَلُهُمَا»[[15]](#footnote-16)

اما این بیان آقای حکیم، اشکال دارد زیرا غیاث بن ابراهیم در اینجا، راوی از اصحاب امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام است و نجاشی در حق او فرموده «غياث بن إبراهيم التميمي الأسيدي‏ بصري، سكن الكوفة، ثقة»[[16]](#footnote-17) و ایشان غیاث بن ابراهیمی نیست که بتری بوده و شیخ طوسی از اصحاب امام باقر علیه السلام شمرده است و کسانی هم که از ایشان روایت نقل کرده اند نمی توانند از غیاث بن ابراهیمی که از اصحاب امام باقر علیه السلام بوده بدون واسطه نقل روایت کنند. آقای خویی در معجم این ادعا را مطرح کرده اند[[17]](#footnote-18) و آقای زنجانی نیز در تحقیق به این نتیجه رسیده اند[[18]](#footnote-19) و لذا این روایت صحیحه است.

اگر این روایت هم موثقه بود بیان آقای حکیم صحیح نبوده و ترجیح به صفات راوی نداریم زیرا مرفوعه زراره اعتبار ندارد، مقبوله عمر بن حنظله نیز در مورد صفات قاضی فرمود: «الْحُكْمُ مَا حَكَمَ بِهِ أَعْدَلُهُمَا» یعنی اگر دو قاضی با هم اختلاف داشتند، طبق مقبوله، ترجیح با قاضی اعدل است و ربطی به صفات راوی ندارد.

بنا بر نقل برخی، شیخ طوسی در عده فرموده: اصحاب در تعارض خبر صحیح با خبر موثق به خبر موثق عمل نمی کردند. آقای زنجانی نیز در گذشته همین مطلب را می فرمودند اما اخیرا فرمودند: اگر خبر موثق با خبر صحیح تعارض هم نکند خبر موثقی که وثوق به صدق آن پیدا نکنیم اعتبار ندارد. ظاهرا ایشان وثوق شخصی را می فرمایند اما ممکن است که وثوق نوعی را هم کافی بدانند. خبر امامی عدل طبق مفهوم آیه نبا معتبر است ولو وثوق آور نباشد، اما خبر موثق باید وثوق آور باشد. در اینجا بعید نیست که گفته شود که وثوق از دو خبر به دست می آید و اطمینان پیدا می کنیم که یکی از این دو خبر صادق است مخصوصا که این افراد، متحرز از کذب بودند و فقط اثنا عشری نبودند. وقتی دو خبر مستقل از دو راوی وجود دارد عرفی نیست که هر دو خطا کرده باشند.

خلاصه اشکال به آقای خویی این است که ایشان صحیحه ربعی را دلیل بر استحباب گرفتند بدون اینکه معارض آن را توجیه کنند.

ممکن است گفته شود که دو روایت معارض با صحیحه ربعی، تقیید زده می شود در نتیجه می شود: « لَا تَبْدَءُوا النِّسَاءَ الشابات بِالسَّلَامِ» و نتیجه در روایت غیاث بن ابراهیم می شود «لا تسلم علی المرأة الشابة». اما این تقیید عرفی نیست که بگویند «لا تسلم علی المرأة» و مراد مرأة شابة باشد، مخصوصا این تقیید در روایت مسعده عرفی نیست زیرا تعلیل فرموده : «لَا تَبْدَءُوا النِّسَاءَ بِالسَّلَامِ وَ لَا تَدْعُوهُنَّ إِلَى الطَّعَامِ فَإِنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله قَالَ النِّسَاءُ عِيٌّ وَ عَوْرَةٌ فَاسْتُرُوا عِيَّهُنَّ بِالسُّكُوتِ» یعنی به زنان سلام ندهید زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: زنان ناتوان هستند و ناتوانی آن ها را با سکوت بپوشانید و این مشکل ربطی به سلام دادن به زنان جوان ندارد که مشکل از مردها است که اگر سلام بدهند ممکن است دچار تزلزل شوند. و لذا روایت مسعده خالی از اضطراب نیست و همانطور که آقای خویی میفرمایند: این تعلیل با آن حکم نمی سازد[[19]](#footnote-20) و با اینکه تعلیل ما یصلح للقرینیه است یعنی ظاهر تعلیل این است که بی ارتباط با صدر نیست. اگر هم « فَاسْتُرُوا عِيَّهُنَّ بِالسُّكُوتِ وَ اسْتُرُوا عَوْرَاتِهِنَّ بِالْبُيُوتِ» منشا حکم به این باشد که « لَا تَبْدَءُوا النِّسَاءَ بِالسَّلَامِ» باز هم قابل تقیید به خصوص شابه نیست زیرا نساء غیر شابات هم عورت هستند یعنی ما ینبغی التستر علیهن هستند. اگر هم گفته شود که مراد از زنانی که سلام بر آنان مکروه نیست سلام بر ﴿وَ الْقَواعِدُ مِنَ النِّساءِ اللاَّتي‏ لا يَرْجُونَ نِكاحاً﴾‏[[20]](#footnote-21) می باشد، این هم عرفی نیست که گفته شود که زن پنجاه ساله جوان است و در روایت هم گفته است که من به شابه سلام نمی دهم و زن پنجاه ساله بین شابه و القواعد من النساء هستند و عرفی نیست که این ها نیز خارج شوند. بله اگر زن شابه در مقابل عجوزه به کار رود، این عرفی است که اغلب نساء شابه هستند.

آقای زنجانی در کتاب نکاح جمع عرفی کرده اند و این روایت را بر خصوص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام حمل کرده اند و می فرماید ممکن است که امیرالمومنین علیه السلام که معصوم بوده خصوصیت داشته باشد، و ارتباط ایشان با زنان مسلمان با غیر معصوم متفاوت باشد و بر ایشان مکروه نبوده که به غیر شابه سلام بدهد بلکه مستحب هم بوده است اما بر ما مکروه باشد که به شابه و غیر شابه سلام بدهیم. موید آقای زنجانی این روایاتی است که با سند های مختلف نقل شده که «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّة»[[21]](#footnote-22).

لکن انصاف این است که عرفی نیست که بگوییم امیر المومنین علیه السلام حکم اختصاصی داشته باشد و امام صادق علیه السلام آن حکم اختصاصی را بدون هیچ توضیحی برای مردم نقل کنند و مثلا بفرمایند و انتم لاتسلموا علی النساء، لذا ظاهر این است که حضرت علیه السلام حکم شرعی را بیان می کردند. نکته دیگر اینکه حکم اختصاصی برای پیامبر صلی الله علیه و آله وجود دارد ولی حکم اختصاصی برای حضرت علی علیه السلام بر فرض ثبوتا وجود داشته باشد، اما خلاف ظاهر است. بنابراین این روایت دلالت می کند که مکروه است سلام دادن به زن جوانی که خوف دارید که اگر صدای او را بشنوید، تحریک بشوید معصوم گناه نمی کند اما ممکن است از صدای زیبا خوشش بیاید. پس مفاد روایت این است و دلیلی ندارد که به این روایت ملتزم نشویم و حمل آن بر خصوص حکم اختصاصی امیرالمومنین علیه السلام عرفی نیست در نتیجه این روایات تعارض می کند و بعد از تساقط رجوع به اطلاق «السلام تطوع» می شود. با این توضیح مشخص می شود که سلام بر اجنبیه به عنوان اولی مستحب است اما اگر خوف وقوع در تحریک جنسی داشته باشد، مانع از استحباب است.

## بررسی حکم سلام اجنبیه به اجنبی

صاحب عروه و بقیه آقایان سلام اجنبیه به اجنبی را مطرح نکرده اند زیرا دلیلی در این مورد وجود ندارد. اما تعلیل «النِّسَاءُ عِيٌّ وَ عَوْرَةٌ» شامل اینجا می شود و زنان نیز نباید به مردها سلام بدهند.

در صحیحه هشام نقل شده «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص النِّسَاءُ عَيٌّ وَ عَوْرَةٌ فَاسْتُرُوا الْعَوْرَاتِ بِالْبُيُوتِ وَ اسْتُرُوا الْعِيَّ بِالسُّكُوتِ»[[22]](#footnote-23)، در اینجا بیان شد که ممکن است که «عیّ» قضیه خارجیه باشد. اما در مسعده که تعلیل بیان شده، عرفی نیست که گفته شود که الان به زنان سلام ندهید ولی زمانی می آید که می توانید سلام بدهید، و این احتمال در صدر قضیه مسعده بیان نمی شود و در ذیل روایت مسعده بیان می شود. همچنین بیان شد که این تعلیل با صدر روایت مسعده هم تناسب ندارد اما با وجود این اضطراب می توان به اطلاق « تَبْدَءُوا النِّسَاءَ بِالسَّلَامِ » تمسک کرد زیرا قضیه حقیقیه است.

# مساله 32

مسألة 32: مقتضى بعض الأخبار عدم جواز الابتداء بالسلام على الكافر إلّا لضرورة لكن يمكن الحمل على إرادة الكراهة و إن سلّم الذمي على مسلم فالأحوط الرد بقوله: عليك، أو بقوله: سلام دون عليك.

حاج شیخ علی جواهری فرموده: «عدم الجواز أقرب»[[23]](#footnote-24)، اقرب این است که سلام بر کافر جایز نیست مگر در حال ضرورت عرفیه.

منشا فتوا به حرمت یا کراهت سلام به کافر مگر در حال ضرورت عرفیه، چندین روایت است.

## بررسی حکم سلام به کافر

روایت اول صحیحه غیاث بن ابراهیم است: «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع لَا تَبْدَءُوا أَهْلَ الْكِتَابِ بِالتَّسْلِيمِ وَ إِذَا سَلَّمُوا عَلَيْكُمْ فَقُولُوا وَ عَلَيْكُمْ»[[24]](#footnote-25) ابتدا به سلام به اهل کتاب نکنید فضلا از مشرکین.

در سرائر نیز نقل شده: «مُحَمَّدُ بْنُ إِدْرِيسَ فِي آخِرِ السَّرَائِرِ نَقْلًا مِنْ رِوَايَةِ أَبِي الْقَاسِمِ بْنِ قُولَوَيْهِ عَنِ الْأَصْبَغِ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيّاً ع يَقُول‏ سِتَّةٌ لَا يَنْبَغِي أَنْ تُسَلَّمَ عَلَيْهِمْ الْيَهُودُ- وَ النَّصَارَى»[[25]](#footnote-26). این روایت که ابن قولویه از اصبغ بن نباته نقل می کند مرسله است.

در روایت ابی البختری نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده: «عَبْدُ اللَّهِ‌ بْنُ‌ جَعْفَرٍ الْحِمْيَرِيُّ‌ فِي قُرْبِ‌ الْإِسْنَادِ عَنِ‌ اَلسِّنْدِيِّ‌ بْنِ‌ مُحَمَّدٍ عَنْ‌ أَبِي الْبَخْتَرِيِّ‌ عَنْ‌ جَعْفَرِ بْنِ‌ مُحَمَّدٍ عَنْ‌ أَبِيهِ‌ أَنَّ‌ رَسُولَ‌ اللَّهِ‌ صَلَّى اللَّهُ‌ عَلَيْهِ‌ وَ آلِهِ‌ قَالَ‌: لاَ تَبْدَءُوا اَلْيَهُودَ وَ اَلنَّصَارَى بِالسَّلاَمِ‌«[[26]](#footnote-27). ابی البختری اکذب البریه است.

عمده صحیحه غیاث بن ابراهیم است که ظاهر در حرمت است اما به دلیل صحیحه عبدالرحمن بن حجاج حمل بر کراهت می شود. در صحیحه عبدالرحمن بن حجاج نقل شده: «مُحَمَّدُ بْنُ‌ يَعْقُوبَ‌ عَنْ‌ مُحَمَّدِ بْنِ‌ يَحْيَى عَنْ‌ أَحْمَدَ بْنِ‌ مُحَمَّدِ بْنِ‌ عِيسَى عَنِ‌ اِبْنِ‌ مَحْبُوبٍ‌ عَنْ‌ عَبْدِ الرَّحْمَنِ‌ بْنِ‌ الْحَجَّاجِ‌ قَالَ‌: قُلْتُ‌ لِأَبِي الْحَسَنِ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ أَ رَأَيْتَ‌ إِنِ‌ احْتَجْتُ‌ إِلَى طَبِيبٍ‌ وَ هُوَ نَصْرَانِيٌّ‌ أُسَلِّمُ‌ عَلَيْهِ‌ وَ أَدْعُو لَهُ‌ قَالَ‌ نَعَمْ‌ إِنَّهُ‌ لاَ يَنْفَعُهُ‌ دُعَاؤُكَ‌«[[27]](#footnote-28)، وقتی به طبیب نصرانی احتیاج داشتید و به سراغ او رفتید جایز است که به او سلام کنید با اینکه ضرورت نیست. زیرا حاجت به معنای ضرورت نیست علاوه بر اینکه ضرورتی برای سلام دادن نیست و می تواند «کیف اصبحت» بگوید. مرحوم امام در یکی از صحبت هایی که با اقلیت‌های مذهبی داشته اند در انتها می فرمایند «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین»، انسان فقیه که باشد این‌طور می‌‌شود. در اینجا نیز وقتی بر او وارد می شود می تواند بگوید «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین»، او هم فکر می‌‌کند جزء عباد صالحین شمرده شده است و اشکالی ندارد.

اما حاج شیخ علی جواهری این مطلب را قبول نکرده و می فرماید: ظاهر صحیحه غیاث بن ابراهیم حرمت است و این روایت هم در مورد خاص یعنی در فرض احتیاج به طبیب نصرانی فرموده است که سلام بده. احتیاج می تواند سبب استثناء از حرمت شود. در بین عمره تمتع و حج تمتع که خروج از مکه حرام است در روایات و فتوا بیان شده است که اگر کسی حاجت عرفی داشته باشد می تواند خارج شود ولو ضرورت هم نداشته باشد. مثلا همسری به شوهر خود می گوید که به جده برویم و از آنجا خرید کنیم و انسان می بیند که مخالفت موجب اختلاف می شود، حاجت عرفی است و مجوز برای خروج می شود ولو ضرورت نیست. مشهور سوره را واجب می دانند اما برای ترک سوره حاجت عرفی را کافی می دانند. در ما نحن فیه نیز اگر انسان حاجت عرفی داشته باشد می تواند سلام دهد و در غیر آن اطلاق دلیل می گوید که حرام است.

ادامه بحث ان شاء الله در جلسه آینده مطرح می شود.

و الحمد لله رب العالمین.

1. الانعام: 151. [↑](#footnote-ref-2)
2. الأنعام : 152. [↑](#footnote-ref-3)
3. البقرة: 187 [↑](#footnote-ref-4)
4. التحريم : 6 [↑](#footnote-ref-5)
5. العروة الوثقی و التلیقات علیها 15: 197 [↑](#footnote-ref-6)
6. [موسوعة الامام الخویی 32: 85](https://lib.eshia.ir/71334/32/85) [↑](#footnote-ref-7)
7. کراهت سلام اجنبیه بر اجنبی در اینجا مطرح نشده است. [↑](#footnote-ref-8)
8. [وسائل الشیعة 20: 234](https://lib.eshia.ir/11025/20/234) [↑](#footnote-ref-9)
9. [وسائل الشیعة 20: 234](https://lib.eshia.ir/11025/20/234) [↑](#footnote-ref-10)
10. [وسائل الشیعة 12: 76](https://lib.eshia.ir/11025/12/76) [↑](#footnote-ref-11)
11. الأحزاب : 6 [↑](#footnote-ref-12)
12. [موسوعة الامام الخویی 32: 85](https://lib.eshia.ir/71334/32/85) [↑](#footnote-ref-13)
13. الاحزاب: 6 [↑](#footnote-ref-14)
14. مستمسک العروة الوثقی 14: 51. [↑](#footnote-ref-15)
15. [وسائل الشیعة 27: 106](https://lib.eshia.ir/11025/27/106) [↑](#footnote-ref-16)
16. رجال النجاشی 305 [↑](#footnote-ref-17)
17. معجم رجال الحدیث 14: 251. [↑](#footnote-ref-18)
18. کتاب نکاح (شبیری) 1: 81 [↑](#footnote-ref-19)
19. [موسوعة الامام الخویی 32: 84](https://lib.eshia.ir/71334/32/84) [↑](#footnote-ref-20)
20. النور: 50 [↑](#footnote-ref-21)
21. عيون أخبار الرضا عليه السلام 2: 85 [↑](#footnote-ref-22)
22. الکافی 5: 535 [↑](#footnote-ref-23)
23. العروة الوثقی و التعلیقات علیها 7: 508. [↑](#footnote-ref-24)
24. [وسائل الشیعة 12: 77](https://lib.eshia.ir/11025/12/77) [↑](#footnote-ref-25)
25. [وسائل الشیعة 12: 79](https://lib.eshia.ir/11025/12/79) [↑](#footnote-ref-26)
26. [وسائل الشیعة 12: 80](https://lib.eshia.ir/11025/12/80) [↑](#footnote-ref-27)
27. [وسائل الشیعة 12: 83](https://lib.eshia.ir/11025/12/83) [↑](#footnote-ref-28)